

تحلیل کنش‌های گفتاری در آیات گفت‌وگومحور بر اساس نظریه جان سرل

(مطالعه موردی: آیات ۱۰ تا ۴۸ سوره طه)

حسین مهتدی^{*}، عذرا السادات حسینی لطیفی^۲

۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

چکیده

کنش‌های گفتاری، به عنوان واحدهای بنیادین ارتباط در نظریه آستین و سرل، به اعمالی اطلاق می‌شود که از طریق زبان انجام شده و در سه سطح بیانی، منظوری و تأثیری قابل تحلیل هستند. این کنش‌ها که براساس طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل شامل کنش‌های اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی می‌باشند، نقش محوری در انتقال مفاهیم و هدایت مخاطب دارند. درک سازوکارهای زبانی در گفتمان دینی، به ویژه زمانی که خداوند به عنوان گوینده اصلی در حال ابلاغ مأموریتی خطیر است، از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. این پژوهش با هدف تبیین الگوی ارتباطی خداوند در آیات آغازین سوره طه و تحلیل چگونگی بکارگیری کنش‌های گفتاری برای آماده‌سازی موسی (ع) در مواجهه با فرعون، با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است و بر اساس طبقه‌بندی پنج‌گانه کنش‌های گفتاری سرل در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که انواع کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوهای آغازین سوره طه چیست؟ یافته‌ها نشان داد که کنش‌های ترغیبی و اظهاری، پرسامدترین انواع کنش‌های گفتاری هستند که به ترتیب در مدیریت عملی رسالت و بیان حقایق هستی‌شناختی بکار رفته‌اند. در مقابل، کنش‌های اعلامی برای اعطای مقام، تعهدی جهت پشتیبانی الهی و عاطفی نیز برای ابراز احساسات، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. توالی حکیمانه این کنش‌ها، از یک برنامه‌ریزی ارتباطی منسجم و سلسله‌مراتبی، حکایت دارد که هدف نهایی آن، هدایت عملی، تقویت بنیان‌های معرفتی و تأمین پشتوانه روان‌شناختی پیامبران برای انجام موفقیت‌آمیز مأموریت است. در نهایت، این مطالعه با ارائه چارچوبی نوین در تحلیل کاربردشناختی قرآن، بر ظرفیت زبان وحی در تغییر نگرش و رفتار مخاطب، تأکید می‌ورزد.

واژگان کلیدی: کنش‌های گفتاری، آیات گفت‌وگو محور، آستین، سرل، سوره طه

۱- مقدمه

زبان‌شناسی به ویژه شاخه کاربردشناسی آن، با عبور از تحلیل‌های لغوی و نحوی، ابزارهای تحلیلی نوینی را در اختیار قرآن‌پژوهان قرار داده است. این علم با تمرکز بر عوامل بیرونی، همچون ویژگی‌های متکلم و مخاطب و شرایط مخاطب به واکاوی لایه‌های پنهان کنش‌های گفتاری می‌پردازد. با وجود تلاش‌های ارزشمند مفسران در بررسی ابعاد زبانی قرآن، رویکرد کاربردشناختی به عنوان روشی نظام‌مند که می‌تواند افق‌های تازه‌ای در فهم منطق گفتاری قرآن بگشاید، کمتر مورد توجه جدی قرار گرفته است (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۹-۲۰). نظریه کنش‌های گفتاری (کارگفت) جان سرل، یکی از نظریه‌های محوری در کاربردشناسی زبان است که توسط جان آستین^[۱] (۱۹۶۲) پایه‌گذاری و با کارهای جان سرل^[۲] (۱۹۷۹) توسعه یافته‌است. در این نظریه، عملکرد زبان در قالب کنش‌ها و کارگفت‌ها بازتعریف و در سه سطح بیانی، منظوری و تأثیری از یکدیگر تفکیک می‌شوند (همان: ۲۴-۲۵). این نظریه با دسته‌بندی کنش‌های زبانی به پنج نوع (اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی و اعلامی)، ابزاری تحلیلی برای واکاوی متون فراهم می‌آورد.

این رویکرد، به‌ویژه در تحلیل آیاتی که خداوند به عنوان گوینده اصلی حاضر است، از اهمیتی راهبردی برخوردار می‌باشد. قرآن کریم با بهره‌گیری هنرمندانه از صورت‌های زبانی، نه تنها به انتقال پیام می‌پردازد، که در پی ایجاد کنش و تحول در مخاطب است. سوره طه با دارا بودن ساختار گفت‌وگو محور و تعاملات زبانی گسترده میان خداوند، موسی (ع)، فرعون و بنی‌اسرائیل، بستر مناسبی برای بررسی الگوهای کنش گفتاری به شمار می‌رود. با توجه به محدودیت مقاله و با در نظر گرفتن حجم قابل توجه آیات گفت‌وگوی این سوره، مبنای این پژوهش، آیات آغازین این سوره (۱۰-۴۸)، است که به شرح نخستین مواجهه موسی (ع) با خداوند در وادی مقدس طوی، انتخاب به پیامبری، اعطای دو معجزه عصا و ید بیضاء و فرستادن موسی به سوی فرعون، می‌پردازد. این تمرکز، امکان تحلیل عمیق‌تر و ارائه تصویری روشن از آغاز حرکت این پیامبر بزرگ را در چارچوب محدودیت‌های مقاله فراهم می‌آورد.

۱-۱- تعریف مسأله

علیرغم مطالعات ارزشمند در زمینه تحلیل کنش‌های گفتاری بر اساس نظریه جان سرل در برخی سوره‌های قرآن، سوره طه با وجود گفت‌وگومحور بودن، کمتر مورد مطالعه نظام‌مند در این چارچوب قرار گرفته است. این شکاف نظری، به‌ویژه در پاسخ به این پرسش اساسی که «هریک از آیات گفت‌وگومحور سوره طه در نهاد خود چه کنش کلامی را انجام می‌دهند و گوینده چگونه از انواع کنش‌های گفتاری جهت پیشبرد اهداف خود و تأثیر بر مخاطب بهره برده است؟»، آشکار است. پر کردن این شکاف از دو حیث دارای ضرورت است:

۱- از منظر علوم قرآن و تفسیر؛ نتایج این پژوهش می‌تواند با آشکارسازی لایه‌های پنهان معنایی و نیت کنش‌گرانه آیات گفت‌وگوی آغازین این سوره، درک عمیق‌تری از راهبردهای ارتباطی و اقناعی مخاطبات قرآن ارائه دهد.

۲- از منظر مطالعات بینارشته‌ای؛ این تحقیق ضمن سنجش ظرفیت‌های کاربردی این نظریه در مواجهه با متونی غنی و فرازبانی، گامی در توسعه تحلیل‌های زبان‌شناختی متون دینی به شمار می‌رود.

برای دستیابی به این هدف، در ابتدا به تبیین نظریه کنش‌های گفتاری و انواع آن پرداخته و سپس با استخراج آیات گفت‌وگوی آغازین سوره طه و توجه به سیاق، به تحلیل کنش‌های آن پرداخته می‌شود.

۲-۱- سؤالات پژوهش

این پژوهش، در تلاش است تا با تحلیل کنش‌های گفتاری در آیات آغازین سوره طه به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- انواع کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوهای آغازین سوره طه چیست؟
- پرکاربردترین کنش‌های گفتاری در این آیات کدامند و چه ارتباطی با اهداف محتوایی و گفتمانی این سوره دارند؟

- هریک از شخصیت‌های این سوره چگونه از انواع کنش‌های گفتاری جهت پیشبرد اهداف خود بهره برده‌اند؟

۳-۱- پیشینه پژوهش

نظریه کنش گفتاری از زمان شکل‌گیری، محور مطالعات گسترده‌ای در حوزه زبان‌شناسی و تحلیل متون بوده است. این چارچوب نظری به‌ویژه در مطالعه متون دینی، از جمله قرآن کریم، به عنوان ابزاری کارآمد برای تحلیل بلاغی و کشف مقاصد ارتباطی آیات بکار گرفته شده است. در ادامه، به برخی از پژوهش‌های مرتبط با این موضوع و برجستگی‌های پژوهش حاضر اشاره می‌شود:

- کتاب «مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم»، به قلم محمدحسن صانعی‌پور، نشر دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، چاپ اول ۱۳۹۰؛ با هدف تدوین ابزاری جامع برای تحلیل نظام‌مند قرآن، رویکردی کلان به نظریه کنش گفتاری اتخاذ کرده است. این اثر با تلفیق این نظریه و شاخه‌های کلیدی کاربردشناسی، سه مؤلفه «بافت پیرامونی»، «ادب گفتاری» و «ساختارهای کلان متن» را به‌طور همزمان تحلیل می‌کند.

- مقاله «تحلیل ساختار سوره شمس بر مبنای نظریه کنش گفتاری جان‌سرل»، نوشته فاطمه دسترنج و محسن ذوالفقاری، منتشر شده در فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱؛ تحلیل کنش‌های گفتاری در این سوره نشان می‌دهد که کنش اظهاری، نظام ارزشی جدیدی را تعریف می‌کند؛ در حالیکه کنش تعهدی با استفاده از سوگندهای تدریجی، نقش اطمینان‌بخشی به مخاطب ایفا می‌نماید. گوینده، از این ابزارها برای هدایت مخاطب به سوی کنش مطلوب و پذیرش وضعیت برتر بهره می‌گیرد و در نهایت، با کنش اظهاری، قطعیت تحقق وعید الهی را تأکید می‌کند.

-مقاله «تحلیل متن شناختی سوره لقمان بر اساس کنش گفتار سرل»، نوشته دکتر حسین خاکپور و فاطمه عقداپی، منتشر شده در شماره دوم، سال سوم، فصلنامه مطالعات ادبی متون

اسلامی، تابستان ۱۳۹۷؛ به بررسی کنش‌های گفتاری در سوره لقمان می‌پردازد و نقش آن‌ها را در انتقال پیام‌های تعلیمی و بلاغی تحلیل می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر تأثیر این کنش‌ها در تقویت آموزه‌های اخلاقی، به تبیین اهداف هدایتی سوره از طریق تحلیل کاربردشناختی متن می‌پردازد.

مقاله «تحلیل متن سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتاری سرل»، نوشته مهرناز گلی، مرضیه شمس‌الدینی گورزانگی و غلامرضا رضوی، منتشر شده در شماره سوم پنجمین سال پیاپی ۱۹، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، پاییز ۱۳۹۹؛ با بکارگیری چارچوب نظری کنش گفتاری، به بررسی ساختارهای زبانی و کاربردشناختی این سوره پرداخته و کنش‌های گفتاری بکاررفته در آیات سوره زمر را در چهار نوع «اظهاری»، «ترغیبی»، «عاطفی» و «اعلامی»، دسته‌بندی کرده و نشان داده است که کنش اظهاری با بسامدی بالاتر، نقش محوری در انتقال مفاهیم الهی و معارف اسلامی در این سوره مکی را دارد.

مقاله «نقش کنش‌های گفتاری و راهبردهای کلام در تبیین آیات داستان موسی (ع) (مطالعه موردی سوره شعراء)»، نوشته راضیه قناعتی و اعظم پرچم، منتشر شده در مجله علوم و قرآن دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۵۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۷۸-۵۹؛ با بهره‌گیری از نظریه کنش گفتاری سرل، به تحلیل کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیم در گفت‌وگوهای این سوره پرداخته و نشان می‌دهد فرعون از کنش‌های ترغیبی تهاجمی برای تضعیف دعوت الهی بهره می‌گیرد؛ حال آنکه، موسی و هارون با کنش‌های عاطفی و اعلامی به تقویت ایمان می‌پردازند.

تاکنون پژوهشی به صورت مستقل به تحلیل کنش‌های گفتاری آیات آغازین سوره طه نپرداخته است. بیشتر مطالعات ذکر شده، تنها به شمارش انواع کنش‌های گفتاری در سوره‌های مختلف پرداخته و در نهایت کمترین یا بیشترین کنش گفتاری مطرح شده را مشخص کرده‌اند؛ اگرچه مقاله «نقش کنش‌های گفتاری و راهبردهای کلام در تبیین آیات داستان موسی (ع) (مطالعه موردی سوره شعراء)»، به درستی بر نقش کنش‌های گفتاری در داستان موسی (ع)

تمرکز کرده؛ اما پژوهش حاضر، با انتخاب آیات آغازین سوره طه به عنوان بستر تحلیل، بهره‌گیری از سیاق به عنوان عنصر کلیدی، گامی فراتر نهاده و خوانشی نو و اثرگذار از منطق حاکم بر گفتمان قرآنی، ارائه می‌دهد.

۲- نظریه کنش‌های گفتاری

نظریه کنش‌های گفتاری^[۳]، یکی از مباحث اصلی در کاربردشناسی زبان است (Levinson, 1997: 227) که به بررسی نقش زبان در انجام اعمال و کنش‌های مختلف می‌پردازد. این نظریه نخستین بار توسط جان آستین در دهه ۱۹۵۰ معرفی شد و بعدها در کتاب «چگونه با واژه‌ها کاری را انجام دهیم؟»^[۴]، به طور رسمی مطرح گردید (مهدی رجب‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲۴). مسئله اصلی این نظریه، بر این مبنا استوار است که باید تمایز بنیادینی میان اظهارات اخباری^[۵] و اظهارات انشائی^[۶] ایجاد گردد (Searle, 1968: 405). بر اساس این دیدگاه، اظهارات اخباری برای توصیف وضعیت‌ها و بیان واقعیات بکار می‌روند. این جملات حاوی اطلاعاتی درباره جهان خارج یا ذهن گوینده هستند و در نظام منطقی زبان، معیار ارزیابی آن‌ها بر اساس درستی یا نادرستی محتوای آن‌ها استوار است.

به عنوان مثال، در آیه ۸۵ سوره طه ﴿قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾، دو پاره‌گفتار «فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ» و «وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» از اظهارات انشائی هستند که خداوند به موسی علیه‌السلام واقعیتی را گزارش می‌کند که با واقعیت خارجی تطابق دارد و صادق است. در مقابل، اظهارات انشائی (کنشی)، عملی را از طریق زبان اجرا می‌کنند و برای سنجش اعتبار آن‌ها، مفهوم صدق و کذب کاربردی ندارد؛ بلکه باید بر اساس شرایط اقتضایی سنجیده شوند. این جملات تنها در صورتی معتبر تلقی می‌شوند که شرایط محیطی مناسب برای اجرای آن‌ها فراهم باشد و گوینده در جایگاه لازم برای انجام کنش قرار داشته باشد؛ بنابراین ارزیابی آن‌ها بر مبنای معیارهای «تناسب» و «فقدان تناسب»، صورت می‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۶: ۵۸-۶۵). می‌توان گفت در اظهارات اخباری یا پاره‌گفتارهای صدق‌گرا،

پاره‌گفتارها و اجزای آن باید با جهان بیرون تطابق داشته باشد؛ درحالی‌که در اظهارات انشائی (کنش‌گرا)، این جهان بیرون است که باید با پاره‌گفتار، مدلولات و تعهدات آن تطبیق یابد (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹).

در آیه ﴿ذَهَبًا إِلَىٰ فُؤَعُونَ إِنَّهُ طَغَىٰ﴾ (طه/۴۳)، خداوند، عمل "اعزام" را در قالب یک کنش انشایی صریح، انجام می‌دهد. این گفتار بر پایه اقتدار گوینده، صلاحیت مخاطبان و توجیه عقلایی («اینه طغی»)، استوار است که خود، عین عمل مأموریت‌دادن محسوب می‌شود.

آستین، مهم‌ترین کشف خود را، معرفی اظهاراتی می‌داند که در ظاهر شبیه جملات خبری هستند؛ اما قابلیت صدق و کذب ندارند. به عنوان مثال، وقتی کسی جمله «قول می‌دهم بیایم و تو را ببینم» را در شرایطی خاص بیان می‌کند، به توصیف یا اعلام واقعیت نمی‌پردازد؛ بلکه به طور ضمنی با همین جمله عمل قول دادن را به اجرا در می‌آورد. از نظر آستین، اینگونه اظهارات، بیشتر به انجام فعل مربوط می‌شود. این کشف، باعث شد آستین تمایزی را میان اظهارات انشائی و اظهارات خبری مطرح کند که درکی صحیح‌تر از ماهیت کنش‌های گفتاری را امکان‌پذیر می‌سازد (حسین‌پور، ۱۴۰۰: ۴۱). بر این اساس، اظهاراتی که در ظاهر شبیه جملات خبری هستند، اما فاقد ارزش صدق و کذب هستند، به عنوان اظهارات انشایی شناخته می‌شوند؛ بنابراین اعمالی مانند عذرخواهی، شکایت، درخواست و غیره که با گفتار انجام می‌شوند نیز، کنش‌های گفتاری یا کارگفت نامیده می‌شوند (محمدی، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۵).

پاره‌گفتار ﴿قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَهَارُونَ﴾ (طه/۷۰)، هرچند در ظاهر شبیه جملات خبری است، ولی ساحران با بیان این جمله، به طور رسمی و علنی از آیین پیشین خود براءت جسته و به جمع مؤمنان می‌پیوندند. بنابر دیدگاه آستین، این گفتار، یک کنش انشایی است که وضعیت دینی و اجتماعی آن‌ها را برای همیشه دگرگون می‌کند.

تفاوت کنش‌هایی مانند قول دادن با عقد کردن در شیوه تحقق آن‌هاست. قول دادن یا سوگند، با بیان عباراتی مانند «قول می‌دهم»، محقق می‌شود و گفتار همان کنش است. اما در عقد کردن، صرف بیان واژگان کافی نیست و شرایطی مانند جایگاه اجتماعی گوینده، حضور

مخاطبان و تطابق موقعیت حقوقی ضروری است. در واقع، "بافت موقعیتی" است که وقوع کنش عقد را ممکن می‌سازد (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۹). پژوهش‌های بعدی نشان داد که تمایز بین اظهارات خبری و انشایی نادرست است؛ زیرا هر دو نوع اظهار، عملی زبانی و در واقع «فعل» به شمار می‌رود. از این منظر، توصیف یک واقعیت همانند وعده دادن یا دستور دادن، کنشی گفتاری است؛ بدین ترتیب، نظریه آستین با دربرگیری تمامی اظهارات به عنوان کنش زبانی، به شکل‌گیری نظریه کنش‌های گفتاری انجامید (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۹۶). آستین با عبور از رویکرد صدق‌گرایی، زبان را به عرصه کنش‌گرایی سوق داد. در این دیدگاه، پاره‌گفتارها در بافتی مشخص، کنشی را محقق می‌سازند (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۶).

۲-۱- ابعاد سه‌گانه کنش‌های گفتاری از دیدگاه آستین

آستین در نظریه کنش گفتاری معتقد است، هر بیان زبانی، سه کنش را همزمان انجام می‌دهد. هر کارگفت، دارای سه مؤلفه اساسی است که هم هویت‌گوینده را مشخص می‌کند و هم بر مخاطب تأثیر می‌گذارد (محمدی، ۱۳۹۶: ۶۶). این سه کنش همزمان، گفتار را از انتقال صرف اطلاعات فراتر برده و به ابزاری برای عمل و تأثیرگذاری تبدیل می‌کند. آستین، این ابعاد را به سه گونه کنش گفتار، کنش ضمن گفتار و کنش بعد گفتار تقسیم می‌کند.

۲-۱-۱- کنش گفتار (کنش بیانی)^(۱۷)

کنش بیانی، سطح اولیه کنش گفتاری است که در آن گوینده با رعایت قواعد دستوری و معنایی، پاره‌گفتاری را بیان می‌کند. درک مؤثر این کنش، مستلزم فهم مخاطب از معناست. هرگونه خطای زبانی در سطوح آوایی، واژگانی یا نحوی، ارتباط را مختل می‌سازد؛ چنانکه استفاده از زبان ناآشنا برای مخاطب، به ناکامی ارتباطی می‌انجامد (Yule, 1998: 47)؛ بنابراین کنش بیانی، بیشتر متن‌محور است و تمرکز آن بر ساختار زبانی و قابل فهم بودن پیام برای شنونده یا خواننده است.

۲-۱-۲- کنش ضمن گفتار (کنش منظوری)^(۱۸)

کنش منظورشناسی یا کاربردشناختی، سطحی از کنش گفتاری است که در آن گوینده علاوه بر رعایت ساختار زبانی، قصد و نیتی خاص از بیان جمله دارد (Yule, 1998: 48). این سطح از کنش گفتاری، با محوریت گوینده و تمرکز بر کارکرد ارتباطی زبان شکل می‌گیرد. برای نمونه، گزاره «هوا گرم است»، می‌تواند در بافتی خاص، به‌جای توصیف صرف، درخواستی غیرمستقیم برای بازکردن پنجره، تفسیر شود. این تغییر معنا، ناشی از کنش نیت‌گرایانه، نهفته در گفتار است. کنش نیت‌گرایانه به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌شود. در کنش مستقیم، ساختار جمله دلالت روشنی بر هدف گوینده دارد، حال آنکه در کنش غیرمستقیم، معنا از طریق بافت گفتار استنباط می‌گردد. برای نمونه، عبارت «می‌توانی در را ببندی؟»، ظاهراً یک پرسش است؛ اما در عمل به عنوان درخواست، تفسیر می‌شود (محمدی، ۱۳۹۶: ۶۸-۷۱).

۲-۱-۳- کنش بعد گفتار (کنش تأثیری)^(۱۹)

کنش تأثیری، سومین سطح کنش گفتاری است که به واکنش مخاطب نسبت به گفتار می‌پردازد. پاره‌گفتار، به واسطه محتوای خود و کنش ضمنی‌اش، اثری بر مخاطب برجای می‌گذارد (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۳۷). گفتار گوینده می‌تواند مخاطب را به عمل وادارد. برای نمونه، دستور «پنجره را باز کن»، در صورت اجرا توسط شنونده، کنش زبانی مؤثری تلقی می‌شود. در این حالت، زبان علاوه بر انتقال اطلاعات، موجب تغییر رفتار مخاطب می‌گردد (محمدی، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۲).

آستین، در تحلیل کنش‌های گفتاری از اصطلاحات تخصصی بهره می‌گیرد. «کنش گفتاری» از نظر او، پاره‌گفتاری معنادار با کنش بیانی است که علاوه بر معنا، دارای بار قراردادی «کنش منظوری» بوده و توانایی تأثیرگذاری بر امور غیرقراردادی «کنش تأثیری» را دارد (Austin, 1962: 94-97).

در میان ابعاد سه‌گانه کنش گفتاری، کنش ضمن گفتار از اهمیت بیشتری برخوردار است و معمولاً با شنیدن این اصطلاح، همین بُعد به ذهن می‌آید. این اصطلاح دو کاربرد دارد:

عام (شامل هر سه کنش)؛

خاص (منظور کنش ضمن گفتار).

همچنین، هر کنش گفتاری بسته به بافت کاربرد، می‌تواند معانی و کارکردهای متفاوتی داشته باشد. این انعطاف نشان‌دهنده توانایی متغیر کنش‌های گفتاری در انتقال معناست که شدیداً وابسته به شرایط ارتباطی و موقعیتی است (قائم‌نیا، ۱۴۰۰: ۳۷-۳۸).

۲-۲- بسط و نظام‌مند کردن کنش‌های گفتاری توسط جان سرل

نظریه کنش‌های گفتاری جان آستین با اصلاحات و توسعه‌های جان سرل به چارچوبی دقیق‌تر و نظام‌مندتر تبدیل گردید. سرل، در ادامه نظریات آستین تلاش کرد تا با ارائه دسته‌بندی مشخصی از افعال گفتاری، کاربردهای زبان را در تعاملات ارتباطی بهتر تبیین کند. وی در کتاب «افعال گفتاری»^[۱۰] خود، با بررسی مقاصد گوینده و ساختار کنش‌های گفتاری، آن‌ها را در پنج گروه اصلی طبقه‌بندی نمود (Searle, 1969:33). هرکدام از این گروه‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند و تأثیرات متفاوتی بر فرآیند ارتباط دارند.

۲-۲-۱- کنش‌های اظهاری^[۱۱]

کنش‌های اظهاری، واقعیت‌ها و باورهای گوینده را بیان می‌کند. این کنش‌ها محتوای زبانی را با جهان خارج تطبیق داده و با معیار صدق و کذب سنجیده می‌شوند. گوینده با افعالی مانند «ادعا کردن»، «گزارش دادن» و «تصدیق کردن»، تعهد خود را به صحت گزاره‌ها نشان می‌دهد. عبارات تأکیدی مانند «من تأیید می‌کنم که...»، بر اعتبار محتوای بیان‌شده دلالت دارند (محمدی، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۵).

۲-۲-۲- کنش‌های ترغیبی^[۱۲]

کنش‌های ترغیبی، مخاطب را به انجام عملی ملزم می‌کنند و خواسته‌های گوینده را بیان می‌نمایند. این کنش‌ها با هدف تأثیرگذاری بر رفتار مخاطب، در قالب دستور، پیشنهاد یا

درخواست ظاهر می‌شوند. افعالی چون «درخواست کردن»، «پیشنهاد دادن» و «هشدار دادن» از نمونه‌های آن هستند. عباراتی مانند «من پیشنهاد می‌کنم...» یا «هشدار می‌دهم...»، نشان‌دهنده این کنش‌ها می‌باشند (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۱۱).

۲-۲-۳- کنش‌های تعهدی^[۱۳]

کنش‌های تعهدی، تعهد گوینده به انجام عملی در آینده را بیان می‌کنند. این کنش‌ها که شامل وعده، تضمین و سوگند هستند، انتظارات مخاطب را شکل می‌دهند. گوینده با افعالی مانند «قول دادن»، «متعهد شدن» و «ضمانت کردن»، مسئولیت عمل آینده را می‌پذیرد. عباراتی چون «قول می‌دهم...» یا «تضمین می‌کنم...» از شاخص‌های این کنش به شمار می‌روند (محمدی، ۱۳۹۶: ۷۸-۷۹).

۲-۲-۴- کنش‌های عاطفی^[۱۴]

کنش‌های عاطفی، بیانگر احساسات، عواطف و نگرش‌های گوینده نسبت به یک وضعیت یا رویداد هستند. این کنش‌ها که بازتاب حالات درونی هستند، در قالب افعالی مانند تشکر، عذرخواهی، تبریک و شکایت ظاهر می‌شوند. برخلاف دیگر کنش‌ها، اینگونه گفتارها فاقد ارزش صدق و کذب بوده و تنها بیانگر وضعیت روانی گوینده می‌باشند (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۱۳).

۲-۲-۵- کنش‌های اعلامی^[۱۵]

کنش‌های اعلامی، با بیان یک جمله، واقعیتی را در جهان خارج، تغییر می‌دهند. تحقق این کنش، مستلزم برخورداری گوینده از جایگاه اجتماعی و شرایط لازم است (محمدی، ۱۳۹۶: ۸۳). کنش‌های اعلامی برخلاف سایر کنش‌های گفتاری به گونه‌ای هستند که بیان آن‌ها موجب ایجاد تغییر در واقعیت می‌شود. نمونه‌هایی چون صدور حکم و انتصاب یا نام‌گذاری، از

جمله این کنش‌ها هستند که با افعالی مانند «اعلام کردن»، «انتصاب کردن» و «نام‌گذاری کردن» بیان می‌شوند (پهلوان‌نژاد و اصطهبانی، ۱۳۸۷: ۱۴).

۲-۳- تفاوت سیاق و بافت موقعیتی

واژه «سیاق» در سنت تفسیری و «بافت موقعیتی» در کاربردشناسی، اگرچه هر دو تحت عنوان کلی «بافت» مطرح می‌شوند، اما از نظر مفهومی متمایزند. سیاق، به بافت درون‌متنی و زبانی اشاره دارد و به عنوان قرینه متنی، با بررسی روابط داخلی اجزای متن به روشن‌سازی معنا می‌پردازد. در اصول فقه و تفسیر، قرائن، به لفظی و حالی (مانند شرایط نزول و قصد متکلم) تقسیم می‌شود. در مقابل، بافت موقعیتی در نظریه کنش گفتار، شرایط پیرامونی تولید زبان از جمله دانش مشترک، روابط اجتماعی، زمان و مکان گفتگو و نیت گوینده را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر، سیاق بر «چه چیزی گفته شده»، متمرکز است؛ حال آنکه بافت موقعیتی بر «چرا، توسط چه کسی و در چه شرایطی»، تأکید دارد (صانعی‌پور، ۱۳۹۰: ۴۹-۶۲).

۲-۴- تفاوت کنش گفتاری منظوری و قرائن حالیه و مقامیه

مرز مفهومی روشنی بین «کنش گفتاری منظوری» و «قرائن حالیه و مقامیه» وجود دارد. کنش منظوری، خود مقصود و عمل گفتاری نهایی گوینده مانند وعده دادن، دستور دادن یا اخطار کردن است؛ در حالیکه قرائن حالیه و مقامیه (از قبیل جایگاه اجتماعی متکلم و مخاطب، شرایط زمانی و مکانی و عرف رایج)، ابزارها و زمینه‌های تشخیص آن کنش به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، کنش منظوری، خروجی فرآیند کشف هدف متکلم است؛ در حالیکه قرائن حالیه و مقامیه، داده‌های ورودی برای کشف آن هستند. قرائن به عنوان شاخص‌های بافتی، به مخاطب امکان می‌دهد تا از لفظی واحد مانند «پنجره را ببند»، کنش منظوری صحیح (دستور، درخواست یا پیشنهاد) را بر مبنای مقام گوینده و شرایط مخاطب استنباط کند؛ بنابراین، تمایز کلیدی در این است که کنش گفتاری، خود عمل است؛ در حالیکه قرائن، شرایط امکان و تشخیص آن عمل، محسوب می‌شود.

۲-۵- نظریه کنش گفتاری در قرآن

با توجه به مبانی نظریه کنش کلامی که بر نقش تعیین کننده گوینده، مخاطب و بافت در تولید معنا تأکید می‌ورزد، تحلیل زبان قرآن به عنوان کلام قدسی، مستلزم عبور از چارچوب‌های متعارف انسانی این نظریه، است. گوینده قرآن، فراتر از محدودیت‌های ذهنی و زبانی بشر، مطلق و قدسی است؛ از این رو کنش‌های گفتاری الهی در قرآن، از جمله وعده، وعید، امر و نهی دارای ویژگی‌هایی چون قطعیت، حتمیت و استقلال از تعهدات انسانی هستند؛ به عنوان مثال، وعده‌های الهی چون بر اساس اراده مطلق و علم لایتناهی صادر شده، تخلف‌ناپذیر هستند؛ همچنین، اگرچه قرآن به دلیل وجود آیات محکم و متشابه، ظرفیت تأویل و تفسیرهای چندلایه را داراست، این تکثر معانی، هرگز به معنای گسست از اراده گوینده یا نسبی شدن حقیقت نیست؛ بلکه تمامی این تفاسیر در دایره مشیت الهی و تحت قدرت کلام او قرار می‌گیرند. بنابراین، نظریه کنش کلامی، تنها در صورت تعدیل مبانی خود، قادر به تحلیل قرآن به عنوان کلامی الهی با حقیقتی ثابت، اما عمیق و چندبعدی خواهد بود (پیشوائی و حسین‌پناهی، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۷).

به عنوان مثال، کنش گفتاری اعلامی در قرآن برخلاف کنش‌های اعلامی انسانی که اعتبارشان وابسته به نهادها و قوانین بیرونی است، کنشی خودمبنا و خودمعتبر است. هنگامی که خداوند حکمی مانند تحریم یا وجوب برخی اعمال را انشا می‌کند، اعلام و تحقق خارجی آن امر هم‌زمان صورت می‌گیرد و اعتبار این حکم از ذات قدسی گوینده نشأت می‌گیرد، هیچ شرط خارجی بر آن حاکم نیست و نقض‌ناپذیر است. حتی در کنش‌های به ظاهر عاطفی یا ترغیبی؛ مانند اعلام بیزاری از اسراف‌کاران که قرآن در واقع حکمی تکوینی و تشریحی را جاری می‌سازد (حسینی و رادمرد، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۶). این امر نشان می‌دهد که مرزهای کنش‌های گفتاری در قرآن، درهم تنیده است و کلام الهی، دربردارنده «خبر»، «فرمان»، «خلق» و «تحقق» به‌صورتی هم‌زمان و تفکیک‌ناپذیر است.

۳- تحلیل داده‌ها

پیش از هرگونه تحلیل گفتمانی قرآن کریم به عنوان کلام الهی، ضروری است تمایز بنیادین آن با گفتمان‌های انسانی به دقت مورد توجه قرار گیرد. این پژوهش، با التزام به این اصل و با اتکا به تفاسیر معتبر، درصدد است مبانی نظری کنش‌های گفتاری سرل را بر آیات گفت‌وگو محور آغازین سوره طه، تطبیق نماید. پیش از ورود به تحلیل داده‌ها، مروری گذرا بر کلیات سوره طه ارائه خواهد شد.

۳-۱- بافت و موقعیت سوره طه

سوره "طه" از سوره‌های مکی قرآن کریم است که به اجماع مفسران در سال‌های آغازین بعثت پیامبر اسلام (ص) نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۶۳). این سوره، ۱۳۵ آیه دارد و بر اساس ترتیب نزول، چهل و پنجمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۹۳) که در ترتیب مصحف کنونی، بیستمین سوره می‌باشد. محتوای این سوره در پنج بخش اصلی، ابتدا به عظمت قرآن و ویژگی‌های الهی اشاره دارد؛ سپس داستان حضرت موسی (ع) از بعثت تا برخورد با فرعون، بنی‌اسرائیل و سامری را به تفصیل بیان می‌کند. در ادامه، مباحث معاد و سرنوشت مجرمان در قیامت مطرح شده است؛ همچنین بر جایگاه و حقانیت قرآن تأکید دارد. در پایان، داستان آفرینش حضرت آدم (ع)، وسوسه ابلیس و هبوط انسان را شرح می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۱۵۴-۱۵۹). در این سوره، آیات اندازی بر آیات تبشیری غلبه دارد و پیام اصلی آن هشدار به طغیان‌گران و تذکر به سرنوشت امت‌های پیشین است؛ همچنین، این سوره با نوعی تسلی خاطر برای پیامبر (ص) آغاز می‌شود تا او را از تحمل مشقت بیش از حد در مسیر دعوت بازدارد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۶۳-۱۶۴). روایت قرآن از گفت‌وگوهای موسی (ع) با خداوند، فرعون و بنی‌اسرائیل و همچنین صدور اوامر الهی، نقش مهمی در ساختار محتوایی سوره دارد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۹۳). بررسی کمی آیات این سوره نشان می‌دهد که از مجموع

۱۳۵ آیه، خداوند در حدود ۸۰ آیه (معادل ۶۰ درصد)، به روایت داستان حضرت موسی و در مابقی آیات به مباحث معاد و سرنوشت مجرمان در قیامت، پرداخته است.

گفت‌وگوهای روایت داستان حضرت موسی در چهار محور اصلی قابل دسته‌بندی هستند:

۱- گفت‌وگوهای خداوند با موسی

۲- مناظرات موسی(ع) با فرعون

۳- گفت‌وگوهای مربوط به رویارویی موسی(ع) با ساحران

۴- گفت‌وگوهای مربوط به انحرافات بنی اسرائیل و پذیرش وسوسه‌های سامری

با توجه به محدودیت مقاله و تعداد بالای آیات گفت‌وگو در این سوره، فقط کنش‌های گفتاری آیات آغازین سوره که مربوط به آغاز نبوت، بعثت و اولین مأموریت موسی(ع) است، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۳- تحلیل کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوهای آغازین داستان موسی(ع)

این پژوهش بر آن است تا با بررسی دقیق آیات آغازین این سوره، چگونگی تحقق کنش‌های گفتاری در بافت ارتباطی آن‌ها را تحلیل کند. جهت دست‌یابی به این منظور، ابتدا آیات گفت‌وگومحور انتخاب شده و سپس با در نظر گرفتن نقش سیاق و تغییرات کنش‌های گفتاری در بافت ارتباطی متن، کنش گفتاری مناسب با هر سیاق استخراج و تحلیل می‌شود. در چارچوب این تحقیق، «آیات گفتگو» به آن دسته از آیاتی اطلاق می‌شود که واجد تبادل کلامی مستقیم و پویا بین دو یا چند طرف در درون ساختار روایت داستان هستند. مؤلفه‌های کلیدی گزینش این آیات، شامل وجود صیغه‌های فعل گفتاری (نظیر «قال»)، ادات ندا (مانند «یا») و ضمائر خطاب، به‌ویژه وجود خطابات دستوری مستقیم می‌باشد. بر این اساس، آیاتی چون «هَلْ أُنَاكَ حَدِيثُ مُوسَى» (طه/۹) که استفهام آن به منظور تقریر بوده و صرفاً نقش مقدمه‌چینی برای ورود به یک قصه گفت‌وگومحور دارد، به دلیل فقدان یک گفت‌وگوی دوسویه در زمره آیات منتخب این مطالعه قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، داده‌های این

تحقیق منحصراً شامل آن دسته از آیات آغازین سوره طه خواهد بود که در آن‌ها گفت‌وگویی روایی و فعال بین موسی و قومش یا خداوند، موسی و هارون به وقوع پیوسته است. در آستانه تحلیل کنش‌های گفتاری این آیات، توجه به زمینه، فضای داستان و شرایط سختی که موسی در آن قرار داشت، ضروری به نظر می‌رسد. موسی (ع)، پس از پایان قراردادش با شعیب در مدین، در شب تاریک و سردی به همراه خانواده و گوسفندانش در بیابان راه را گم کرده بود. گوسفندان پراکنده شده بودند، آتش روشن نمی‌شد و همسرش نیز در آستانه زایمان بود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۳: ۱۶۷). خداوند با یک استفهام تقریری در آیه ۹، زمینه ورود به داستان را فراهم می‌نماید و روایت داستان را از لحظه رؤیت آتش توسط موسی، شروع می‌کند.

۳-۲-۱- کنش‌های گفتاری مکالمه موسی با قوم خود

﴿إِذْ رَأَىٰ نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُتُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِمَبَسٍّ أَوْ أَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى﴾؛ (طه/۱۰)

حضرت موسی (ع) پس از مشاهده آتش از دور، خانواده خویش را مورد خطاب قرار می‌دهد. این خطاب شامل چندین پاره‌گفتار مستقل است که هر یک دارای کنش گفتاری، کنش منظوری و کنش تأثیری خاص می‌باشند که به صورت جداگانه قابل تحلیل هستند.

جدول (۱): تحلیل پاره‌گفتارهای آیه ۱۰ سوره طه

پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
امْكُتُوا	دستور مستقیم به توقف کوتاه	کنترل موقعیت و جلوگیری از حرکت در تاریکی	ایجاد توقف فوری در خانواده	ترغیبی
إِنِّي آنَسْتُ نَارًا	اعلام مشاهده آتش	توجیه دلیل توقف و ایجاد اطمینان در مخاطبان	کاهش اضطراب و ایجاد پذیرش برای توقف	اظهاری

تعهدی	تقویت انتظار برای دریافت کمک	ایجاد امید و کاهش اضطراب	قول به آوردن آتش	لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى
تعهدی	تقویت اعتماد به نتیجه	دوراندیشی و تلاش برای حل ریشه‌ای مشکل	قول به یافتن راهنما برای خروج از بیابان	

موسی (ع) در نقش رهبر خانواده، ابتدا با دستور توقف، اضطراب ایشان را مدیریت می‌کند. سپس با اشاره به دیدن آتش، دلیل توقف را توضیح داده و با وعده آوردن آتش و یافتن راهنما، هم، نیاز فوری خانواده به گرما و روشنایی را برآورده می‌کند و هم، امیدی برای رفع دغدغه گم کردن راه، می‌بخشد. این کنش‌ها، ترس و درماندگی را به انتظار و امید تبدیل می‌نماید.

۳-۲-۲- کنش‌های گفتاری اولین خطاب خدای تعالی به موسی علیه‌السلام

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ (طه/۱۱-۱۲)

موسی (ع) در میان ظلمت شب و سرمای بیابان به امید یافتن راهنما یا گرمایی برای خانواده‌اش به سمت آتش حرکت کرد؛ در حالیکه نمی‌دانست این شعله، در واقع نور الهی و آغاز یک ارتباط و حیانی است. ناگهان، ندایی الهی، طنین‌انداز می‌شود و گفت‌وگویی را آغاز می‌کند که نه تنها مسیر زندگی موسی، که تاریخ بشریت را تغییر داد. این آیه پاره‌گفتارهای متعددی را در بر دارد که هرکدام تحلیل مستقلی را می‌طلبد.

جدول (۲): تحلیل پاره‌گفتارهای آیات ۱۱ و ۱۲ سوره طه

پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
نُودِيَ يَا مُوسَى	ندا و فراخوانی با اسم خاص	جلب توجه مخاطب و فراخوانی او به فضای ارتباطی	توقف موسی و تمرکز او بر منبع ندا	ترغیبی

اعلامی	تمرکز موسی (ع) بر عظمت الهی، ایجاد آمادگی روحی وی برای پذیرش وحی و ورود به مرحله‌ای جدید	اعلام رسمی ربوبیت الهی و ایجاد رابطه ربوبیت و عبودیت	اعلام حقیقت ربوبیت الهی	إِنِّي أَنَا رَبُّكَ
ترغیبی	ایجاد حس اطاعت و آمادگی در موسی (ع) برای دریافت وحی و انجام فرامین الهی	ایجاد هیبت و تقدس در موسی (ع)، تقویت خضوع و آمادگی روحی او برای پذیرش رسالت	دستور عملی صریح برخلع نعلین	فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ
اظهاری	درک عمیق فرمان الهی، پذیرش آن با رضایت کامل و افزایش خشوع موسی (ع) نسبت به آن مکان مقدس	تبیین تقدس موقعیت و بیان علت دستور "خلع نعلین"	اطلاع رسانی درباره مکان	إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

این خطاب مستقیم که در قالب یک ندای غافلگیرانه و با کاربرد اسم علم «موسی»، صورت می‌گیرد، مخاطب را برای دریافت پیامی فراتر از عرف انتقال می‌دهد و سرآغاز دگرگونی بنیادین در مسیر هویت و کنش وی محسوب می‌گردد. در شرایطی که موسی (ع) در اوج حیرت و کنجکاوی ناشی از ندای غیابی «یا موسی» و مشاهده معجزه آتش سوزان در درخت سبز قرار داشت و به دنبال شناسایی منبع ندا بود، خطاب «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ»، با ساختار تأکیدی مضاعف (استفاده از «إِنَّ» و ضمیر منفصل «أَنَا») به منظور زدودن هرگونه شک و شبهه و تحقق بخشیدن به شناختی یقینی در او صورت گرفت (طبرسی، ۱۴۰۸، ج: ۷، ۱۰).

این بیان قاطع الهی، فراتر از یک معرفی ساده، کارکردی دوسویه دارد: از یکسو با اعلام رسمی هویت ربوبی، واقعیتی جدید در جهان موسی (ع) می‌آفریند و از سوی دیگر، با آرامش‌بخشی به روح مضطرب او، زمینه را برای پذیرش بی‌قید و شرط رابطه عبودیت فراهم

می‌سازد. این پاره‌گفتار که در ظاهر، کنش اظهاری به نظر می‌رسد، در عمل کنشی اعلامی است که با ایجاد تغییر در وضعیت وجودی موسی (ع) او را از جستجوگری به مرحله پذیرش رسالت منتقل می‌کند.

امر به در آوردن کفش، پس از جمله «إِنِّي أَنَا رَبُّكَ»، نشان می‌دهد که تقدیس وادی طوی به دلیل قرب الهی و محل مناجات با خداوند است. در واقع، خطاب الهی به موسی (ع) بدین معناست که اکنون در محضر پروردگار قرار دارد؛ پس برای رعایت ادب و احترام باید کفش خود را بیرون آورد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۹۱). این فرمان الهی که از جایگاه قدرت مطلق صادر شده، برای موسی (ع) حکم امری قطعی و الزام‌آور را دارد.

آخرین پاره‌گفتار، بیانگر قداست مکان خطاب «إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى»، است که در حقیقت دو کارکرد اساسی دارد:

نخست، تبیین علت فرمان خلع نعلین؛

دوم، هشدار معنوی برای آگاهی بخشی نسبت به عمق قداست آن لحظه و آمادگی برای دریافت فرامین آتی.

این توالی حکیمانه - شامل ندا، اعلام هویت، دستور عملی و توصیف مکان - از سوی متکلمی آگاه و قادر مطلق، با در نظرگیری دقیق شرایط مخاطب، طراحی گردیده تا موسی (ع) را تدریجاً از حالت طبیعی و مادی به مرحله‌ای از طهارت روحانی و آمادگی کامل برای پذیرش رسالت انتقال دهد.

۳-۲-۳- کنش‌های گفتاری آیات دربردارنده وحی نبوت

﴿وَأَنَا احْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ فَلَا يَصُدُّنَكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبِعْ هَوَاهُ فَتَزِدْ﴾؛
(طه/ ۱۶-۱۳)

تحلیل کنش‌های گفتاری در آیات گفت‌وگو محور سوره طه ... حسین مهتدی و عذرا السادات حسینی لطفی

موسی (ع) در ادامه مواجهه و حیانی، آیاتی را از خداوند می‌شنود که دربردارنده وحی نبوت موسی (ع) می‌باشد و خود شامل پاره‌گفتارهای متعددی است که هر یک کنش گفتاری خاص خود را ایفا می‌کند.

جدول (۳): تحلیل پاره‌گفتارهای آیات ۱۳ تا ۱۶ سوره طه

پاره‌گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
وَ أَنَا أَحْتَرُّكَ	اعلام برگزیدگی	انشاء و اعطاء مقام رسالت و تکریم	ایجاد احساس مسئولیت الهی و آمادگی کامل برای دریافت وحی	اعلامی
فَاسْمِعْ لِمَا يُوحَى	دستور به گوش فرا دادن	تکلیف گذاری	ایجاد تعهد درونی برای اجرای مأموریت	ترغیبی
إِنِّي أَنَا اللَّهُ	معرفی ذات ربوبی با اسم عَلَم و تأکید قاطع بر هویت ربوبی	بنیانگذاری ارتباط و حیانی	ایجاد آمادگی روحی و روانی کامل برای پذیرش رابطه عبودیت و ربوبیت	اعلامی
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا	تاکید بر یگانگی خداوند و نفی شرک	توحیدافکنی و بنیانگذاری اصل عقیدتی (توحید)	تثبیت توحید در اعماق وجود موسی (ع) به عنوان پایه رسالت	اعلامی
فَاعْبُدْنِي	صدور فرمان مستقیم (امر به عبادت)	تاسیس نظام عبودیت و ترغیب به اطاعت محض	هدایت اراده مخاطب به تسلیم در برابر خداوند و ایجاد پیوندی پایدار برای پیشگیری از غفلت	ترغیبی
وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي	دستور ویژه به برپایی نماز با ذکر علت	تعیین برنامه عملی، تعیین مصداق بالاترین عبادت (نماز) و تأکید بر	ایجاد تعهد در مخاطب برای انجام برنامه عملی عبادت و درونی‌سازی یاد خدا	ترغیبی

		جنبه یادآوری و ارتباط مستمر		
اظهاری	زدودن غفلت از حساب و جزاء	اعلام رکن دوم اعتقادی (ایمان به معاد) و تبیین فلسفه عبادت برای ترغیب مخاطب	اخبار از حتمیت وقوع قیامت	إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ
اظهاری	ایجاد حالت آماده‌باش دائمی و پذیرش سریع برنامه‌های تربیتی	ایجاد خوف بیشتر در مردم بخاطر وقوع ناگهانی قیامت	بیان اراده الهی از اخفاء زمان قیامت	أَكَاذُ أَخْفِيهَا
اظهاری	ایجاد انگیزه برای عمل صالح و پرهیز از غفلت	تاکید بر عدالت الهی و ترغیب به مسئولیت‌پذیری	بیان علت و توجیه حکمت الهی در اخفاء قیامت	لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى
ترغیبی	ایجاد مصونیت فکری و تقویت استقامت و افزایش هوشیاری	هشدار و تحذیر از تأثیرپذیری منفی	نهی مؤکد از تأثیرپذیری و هشدار نسبت به عاقبت شوم	فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ
اظهاری	ایجاد بیم و هراس از هلاکت در مخاطب	ایجاد انذار شدید از عاقبت شوم منکران	بیان پیامد تأثیرپذیری از منکران (با فاء نتیجه)	فَتَرَدَى

در آغاز خطاب، خداوند در پاره‌گفتار «وَأَنَا الْخَيْرُ مُنْكَ»، با بیانی مبتنی بر لطف و انتخاب، به موسی (ع) اعلام می‌کند که مقام بلند نبوت و رسالت، نه از راه استحقاق شخصی؛ بلکه تنها از طریق گزینش الهی به وی اعطا شده است. سپس در خطاب «فَأَسْمِعْ لِمَا يُوحَى»، نهایت

هیبت و جلالت را به نمایش می‌گذارد. عبارت «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ»، حاوی نهایت لطف و رحمت است و عبارت «فَاسْتَمِعْ»، بیانگر نهایت هیبت؛ در نتیجه از اولی نهایت امید و از دومی نهایت ترس در موسی (ع) پدید می‌آید (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹).

عبارت «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ»، نه تنها گزارش از تحقق خواسته‌هاست؛ بلکه خود این بیان، نوعی ایجاد و انشاء فعل است و خداوند با عین این جمله اختیار نبوت و رسالت را انشاء کرده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۹۳).

در عبارت «إِنِّي أَنَا اللَّهُ»، اشاره‌ای ظریف نهفته است؛ همانگونه که در روابط انسانی، نخستین مرحله آشنایی میان دو طرف، شناخت نام‌های یکدیگر است، خداوند نیز ابتدا به موسی (ع) اعلام می‌کند که او نام بنده‌اش را می‌داند و سپس نام خود را به او معرفی می‌کند تا بدین وسیله ارتباط و حیانی را بنیان نهد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴: ۱۶). خداوند با تأکید بر ذات مقدس خویش، اساس رابطه عبودیت را بنیان می‌نهد. ابتدا حقیقت توحید را به عنوان اصل اساسی اعلام می‌دارد، سپس بر پایه این اصل، فرمان عبادت و اقامه نماز را صادر می‌کند. این توالی نشان می‌دهد که توحید (به عنوان اصل)، مقدم بر عبادت (به عنوان فرع)، است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲: ۱۹). سپس با اعلام قطعیت قیامت و پنهان بودن زمان آن - که مایه بیم و انگیزش برای عمل می‌شود - هرکس را به پاداش تلاشش نوید می‌دهد. در پایان، با هشدار شدید، موسی (ع) را از تأثیرپذیری بی‌ایمانان و هوس‌بازان بر حذر داشته، عاقبت هلاکت را خاطر نشان می‌سازد. این سلسله بیانات، از انتخاب و توحید تا عبادت و انذار، گام‌به‌گام موسی (ع) را برای پذیرش و استقامت در رسالت آماده می‌سازد.

۳-۲-۴- کنش‌های گفتاری آیات وحی رسالت حضرت موسی (ع)

﴿وَمَا تَلَكَ يَمِينِكَ يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهْوَسُ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَأْرَبٌ أُخْرَىٰ قَالَ أَلَيْسَ يَا مُوسَىٰ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ﴾؛

(طه / ۱۷-۲۱)

آیات مورد بحث که نخستین آیات وحی رسالت حضرت موسی (ع) پس از دریافت مقام نبوت می‌باشد، خود مشتمل بر پاره‌گفتارهای متعددی است که هر یک به عنوان واحدی مستقل، کنش گفتاری خاص خود را در راستای آماده‌سازی پیامبر برای مأموریت خطیر رسالت ایفا می‌نماید.

جدول (۴): تحلیل پاره‌گفتارهای آیات ۱۷ تا ۲۱ سوره طه

پاره‌گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
وَمَا تَلْكَ بِمْبِئِكَ يَا مُوسَى	استفهام تقریری از شیء در دست موسی (ع)	تمرکز بر واقعیت موجود برای درک عظمت و تعمیق اثر معجزه	تثبیت یقین در موسی و اطمینان به خداوند و رسیدن به آرامش	ترغیبی
قَالَ هِيَ عَصَايَ	پاسخ ساده به پرسش پیشین با شناسایی عصا و انتساب آن به خود	تاکید بر هویت عادی شیء موجود	تقویت تصور عادی موسی (ع) از عصا	اظهاری
أَتَوَكَّلُ عَلَيْهَا	بیان کارکرد شخصی عصا.	تأکید بر کاربرد روزمره و زمینی عصا	تقویت تصور "وسیله ساده" در ذهن موسی پیش از معجزه	اظهاری
وَأَهَشُّ بِهَا عَلَيَّ غَنَبِي	توصیف کارکرد دوم عصا در حرفه چوپانی	ارتباط شیء با معیشت و نقش کاربردی آن	ایجاد ارتباط عاطفی بین موسی و عصا به عنوان ابزار کار	اظهاری
وَلِي فِيهَا مَآرِبٌ أُحْزَى	بیان کلی کاربردهای متعدد عصا	تأکید بر جنبه چندکاربردی و وابس تگی زندگی به این شیء	کامل کردن تصویر یک وسیله کاملاً عادی و همه‌کاره	اظهاری
الْقَهَا يَا مُوسَى	فرمان مستقیم با فعل امر	آشکارسازی کارکرد متعالی: رهایی از وابستگی‌های مادی و	ایجاد اطاعت فوری و زمینه‌سازی برای معجزه	ترغیبی

		آموزش تواضع با جدایی عصا از موسی		
ترغیبی	ایجاد جسارت در موسی برای گرفتن مار عظیم	بازگرداندن کنترل و تسلیم‌پذیری	فرمان فوری پس از معجزه	حُدُّهَا
ترغیبی	از بین رفتن ترس با اعتماد به حمایت الهی	زدودن ترس طبیعی و ایجاد آرامش	نهی مستقیم و اطمینان‌بخشی	وَلَا تَخَفْ
تعهدی	ایجاد اطمینان قلبی و باور به کنترل الهی	اطمینان‌بخشی قطعی و نشان دادن تسلط کامل بر معجزه	وعده با زمان آینده مؤکد	سَتُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى

تحلیل آیات آغاز رسالت موسی (ع)، سیر منظمی از خطاب‌های الهی را نشان می‌دهد. گفت‌وگو با پرسش تقریری «وَمَا تِلْكَ بِمِيمِنِكَ يَا مُوسَى»، آغاز می‌شود که هدف آن جلب توجه پیامبر به عصا و ایجاد آمادگی ذهنی برای درک تبدیل شگفت‌انگیز چوب به مار است. این پرسش محبت‌آمیز، ضمن آرامش‌بخشی به موسی (ع)، زمینه را برای دریافت حقیقتی بزرگ فراهم می‌سازد. موسی (ع) از روی اشتیاق برای تداوم گفت‌وگو با محبوبش و با این تصور که معرفی عصا کافی نیست، به توصیف کاربردهای گوناگون آن پرداخت (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۷۷-۱۷۸). فرمان «الْقَهَّاءُ يَا مُوسَى»، آزمونی برای سنجش اطاعت فوری موسی (ع) بود. با اجرای فرمان، قدرت الهی در قالب معجزه‌ای شگفت‌انگیز تجلی یافت. مشاهده این صحنه، هرچند ترس طبیعی را در موسی (ع) برانگیخت، اما با شجاعت ذاتی او منافاتی نداشت (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۰۰). بلافاصله خداوند با خطاب اطمینان‌بخش «حُدُّهَا وَلَا تَخَفْ»، به همراه وعده قطعی بازگرداندن معجزه به حالت اول «سَتُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى»، ضمن نشان دادن تسلط کامل خود، با تلفیق هیبت و لطف، ترس موقت را زایل می‌کند.

۳-۲-۵- کنش‌های گفتاری آیات بیانگر دومین معجزه رسالت

﴿وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ لِّثَرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ﴾؛
(طه/۲۲-۲۳)

این آیات که بیانگر دومین معجزه رسالت حضرت موسی (ع) هستند، در سه پاره گفتار مستقل قابل بررسی است:

جدول (۵): تحلیل پاره گفتارهای آیات ۲۲ و ۲۳ سوره طه

پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ	فرمان برای معجزه دوم	اعطاء نشانه جدید و تاکید بر تنوع معجزات	آماده‌سازی برای دریافت معجزه دوم	ترغیبی
تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَىٰ	توصیف کارکرد معجزه	تشریح ویژگی‌های معجزه، پیش‌بینی نتایج و تأکید بر تعدد آنها	ایجاد انتظار مثبت و زدودن نگرانی	اظهاری
لِّثَرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ	بیان غایت با حرف تعلیل (تبیین علت معجزه)	تبیین فلسفه معجزات و سطح توانایی‌ها	درک عظمت پشتیبانی الهی و اهمیت معجزه	اظهاری

پس از بیان معجزه اول، فرمان تکمیلی برای نمایش معجزه دوم صادر می‌گردد. این دستور، «ید بیضاء» را به عنوان نشانه‌ای دیگر در کنار معجزه اول معرفی می‌کند و با عبارت «مِنْ غَيْرِ سُوءٍ»، بیان می‌دارد که این نور، کاملاً بی‌عیب و پاک است؛ نه چشمان را می‌آزارد و نه هیچ لکه یا تاریکی در آن دیده می‌شود (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۸۰). پس از نمایش این معجزات، خداوند هدف و غایت این همه آماده‌سازی را در قالب جمله «لِّثَرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ» با "لام تعلیل" بیان می‌فرماید. این بیان، موسی (ع) را از حکمت و مقصود اصلی آگاه می‌سازد و به او اطمینان می‌دهد که این وقایع، مقدمه‌ای برای یک مأموریت بزرگ‌تر است.

۳-۲-۶- کنش‌های گفتاری اولین فرمان رسمی مربوط به عرصه رسالت

﴿اٰذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى﴾؛ (طه / ۲۴)

این آیه، در سیاق مکالمه الهی با موسی (ع) در کوه طور پس از انتصاب موسی (ع) به مقام نبوت و دریافت معجزات الهی نازل شده است و اولین فرمان رسمی او برای ورود به عرصه رسالت است. این مأموریت خطیر، با رویارویی با مستکبرترین حاکمان زمان آغاز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۸۶). کنش‌های این آیه در دو پاره گفتار مستقل تحلیل می‌شود:

جدول (۶): تحلیل پاره گفتارهای آیه ۲۴ سوره طه

پاره گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
اٰذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ	امر مستقیم به موسی (ع) برای انجام رسالت	واگذاری مسئولیت هدایت فرعون و مقابله با طغیان او به موسی (ع)	ایجاد تکلیف در موسی (ع)، استقبال او از انجام مأموریت، فراهم‌سازی زمینه اقدام عملی	ترغیبی
اِنَّهُ طَغٰى	بیان علت مأموریت با عبارتی کوتاه و عمیق	توجیه فرمان رسالت، توصیف ماهیت دشمن، تعیین استراتژی مبارزه (تقدم مقابله با رأس فساد)	تقویت عزم موسی (ع) و تبیین ابعاد مأموریت برای الگوسازی مبارزه با ظلم.	اظهاری

در اوج این سلسله خطاب‌های تربیتی، فرمان اصلی رسالت «اٰذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى»، صادر می‌گردد. این بیان، هم مأموریت را مشخص می‌کند، هم علت آن را- طغیان و ظلم گسترده فرعون- تبیین می‌نماید. دلیل شروع از فرعون، نشان دهنده این است که اصلاح پایدار جامعه، مستلزم مقابله ریشه‌ای با سرچشمه‌های فساد است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۱۸۵). این عبارت نشان می‌دهد که موسی (ع) مأموریت دارد نه تنها یک فرد، بلکه یک نظام ظالمانه را به چالش بکشد. این کنش گفتاری با استفاده از لحن قاطع، سیاق تکلیفی و مأموریت الهی،

موسی (ع) را برای اقدام عملی و مقابله با ظلم آماده می‌کند و الگویی برای رسالت‌های بعدی ارائه می‌دهد.

۳-۲-۷- کنش‌های گفتاری درخواست‌های موسی از خداوند بعد از مأموریت به رسالت

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاخْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا﴾؛ (طه / ۲۵-۳۵)

موسی (ع) پس از دریافت اولین فرمان رسالت، نه تنها نترسید، بلکه با پذیرشی فعالانه از مأموریت خویش استقبال نمود. وی با درک صحیح از ابعاد این مسئولیت خطیر، مسیر درخواست‌های خود را به سوی طلب یاری و تمهید مقدمات از جانب خداوند سوق داد. روایت پاسخ موسی با افعال غیرمعطوف، الگوی گفت‌وگومحور روایت را تقویت می‌کند؛ همچنین، ترتیب منطقی درخواست‌های وی بر اساس توالی طبیعی نیازهای عملیاتی، تنظیم شده است که نشان از انسجام درونی تقاضاها و تبعیت از اصول ارتباطی دارد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۶: ۱۱۳). کنش‌های گفتاری این درخواست‌ها در پاره‌گفتارهایی مستقل، قابل بررسی است:

جدول (۷): تحلیل پاره‌گفتارهای آیات ۲۵ تا ۳۵ سوره طه

پاره‌گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي	درخواست گشایش و فراخی سینه	درخواست قدرت و آمادگی قبل از اقدام به عمل	تقویت توکل و وابستگی به خداوند برای آمادگی روحی پذیرش مأموریت	ترغیبی
وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي	درخواست تسهیل مأموریت	درخواست تسهیل موانع و ایجاد زمینه‌های موفقیت در مأموریت	ایجاد اطمینان خاطر و امید برای موفقیت عملی	ترغیبی

وَاحْتَلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي	درخواست گره‌گشایی از زیانش	درخواست توانایی بیانی و رفع موانع کلامی برای ابلاغ مؤثر پیام	تأمین اطمینان از فصاحت کلام و قدرت نفوذ آن	ترغیبی
يَقْمَهُوا قَوْلِي	تشریح گره کلامی و دلیل درخواست گشایش	درخواست تأثیرگذاری بر مخاطب و قابل فهم‌سازی پیام	اطمینان از نفوذ کلام و درک صحیح پیام الهی توسط مخاطب	اظهاری
وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي	درخواست معاون از میان خانواده	داشتن همراهی مورد اعتماد و دلسوز برای تقسیم بار مسئولیت	تقویت روحیه و توان عملی با همراهی فرد مورد اعتماد	ترغیبی
هَارُونَ أَخِي	تصریح و مشخص کردن فرد مورد نظر برای همراهی	انتخاب هارون به دلیل قرابت فامیلی، وفاق و فصاحت کلام	تقویت ساختار رهبری با تقسیم مسئولیت	اظهاری
اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي	درخواست توانمندسازی با همراهی هارون	درخواست افزایش توان عملیاتی با همراهی برادر	تقویت استقامت با تبدیل همراه به منبع قدرت و قوت قلب	ترغیبی
وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي	درخواست تفویض اختیار و مشارکت رسمی برادرش در امر رسالت	درخواست اعطای جایگاه واقعی به هارون در رسالت، فراتر از همراهی ظاهری	رسمیت‌یافتن نقش هارون و افزایش کارایی تبلیغ با رهبری مشترک	ترغیبی

اظهاری	اطمینان از پذیرش درخواست و ارائه الگوی انگیزشی برای اقدامات اصلاحی	نشان دادن خلوص نیت و تبدیل مقدمات به وسیله تقرب	تبیین عبادت به عنوان هدف نهایی تمام درخواست‌ها	کَي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا
اظهاری	تقویت اطمینان خاطر به پذیرش خواسته‌ها	تأکید بر عبودیت و ارتباط مستمر با خدا به عنوان مقصد نهایی رسالت	تأکید بر انگیزه اصلی (ذکر خدا)	وَ نَدُّكَ كَثِيرًا
اظهاری	ایجاد آرامش قلبی برای موسی (ع) با اطمینان از پاسخ الهی بر اساس علم کامل	اعلام توکل و تفویض امر	اقرار به علم کامل خداوند نسبت به وضعیت و نیازهایشان	إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

موسی (ع) پس از رویارویی با مأموریت خطیر رسالت، با درکی عمیق از لوازم این مسئولیت، درخواست‌های خود را با سیری منطقی ارائه نمود. ابتدا با گفتار «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي»، درخواست ظرفیت درونی، استقامت و سعه صدر که نخستین و مهم‌ترین سرمایه یک رهبر است را، می‌کند؛ سپس با گفتن «وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي»، به سراغ تسهیل موانع بیرونی می‌رود و درک می‌کند که هموار شدن راه به لطف الهی ممکن می‌شود. در گام بعد، با عبارت «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي»، درخواست قدرت بیان و فصاحت می‌کند؛ زیرا سرمایه درونی بدون توانایی اظهار و انتقال، کارساز نیست. بلافاصله با قید «يَقْفَهُوا قَوْلِي»، هدف نهایی از این فصاحت که همان تفهیم پیام به مخاطب است را، مشخص می‌سازد. در ادامه موسی (ع) با درک نیاز به همراهی، درخواست «وَاجْعَلْ لِي وَاوِيًا مِنْ أَهْلِي» را مطرح می‌کند.

انتخاب وزیر از خانواده، نشان‌دهنده هوشمندی او در انتخاب یآوری مورد اعتماد و دلسوز است. سپس با صراحت، «هَارُونَ أَخِي» را به عنوان گزینه معرفی می‌کند. درخواست‌های

بعدی او برای تکمیل این همکاری است. پاره‌گفتار «أَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي»، برای تقویت عملیاتی و پشتیبانی و عبارت «وَأَشْرِكُهُ فِي آمْرِي»، برای اعطای مشارکت رسمی در رسالت می‌باشد. سرانجام، او همه این درخواست‌ها را با بیان غایت نهایی «كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا»، توجیه می‌کند و نشان می‌دهد که هدف غایی، عبادت و ذکر بیشتر خداوند است. این خلوص نیت با جمله «إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا» به اوج می‌رسد که نشان از توکل کامل و اقرار به علم الهی بر نیازهایشان دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۸۶-۲۰۰).

۳-۲-۸- کنش‌های گفتاری آیات استجابت دعا و یادآوری منت‌های گذشته

﴿قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَىٰ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمَمِكَ مَا يُوحَىٰ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَآقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ وَاللَّيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمَمِكَ كَيْ تَفَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَفَقُلْتَ نَسُا فَنَجِّبْنَاكَ مِنَ الْعَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ وَاصْطَنَعْنَاكَ لِنَفْسِي﴾؛ (طه ۳۶-۴۱)

در این آیات، خداوند پس از اعلام برآورده شدن درخواست‌های موسی، به یادآوری نعمت‌هایی می‌پردازد که در دوران زندگی به او ارزانی داشته است.

کنش‌های گفتاری موجود در هر یک از پاره‌گفتارها به صورت مستقل بررسی می‌شوند.

جدول (۸): تحلیل پاره‌گفتارهای آیات ۳۶ تا ۴۱ سوره طه

پاره‌گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى	اعلام صریح خداوند به پذیرش و اجابت درخواست‌های موسی	تحقق عینی اجابت و تضمین بی‌قید و شرط برآورده شدن خواسته‌های موسی	ایجاد اطمینان، حس تکریم و برانگیختن انگیزه در موسی(ع)	اعلامی

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىكَ مَرَّةً أُخْرَى	تصریح خداوند به منت و لطف خاص به موسی در گذشته	تثبیت اعتماد و تقویت دلگرمی موسی با یادآوری نعمت‌های پیشین	تقویت روحیه، امید و اتکای موسی به خداوند	اظهاری
إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمَّكَ مَا يُوحَى أَنْ أَقْبِئِيهِ فِي التَّابُوتِ	بیان دستور وحی شده به مادر موسی برای قرار دادن او در تابوت، به عنوان نخستین نعمت	ایجاد دلگرمی با تبیین اقدام به دریا سپردن به عنوان اطاعت از تدبیر الهی، نه رها کردن فرزند	آماده‌سازی روانی مادر موسی برای اجرای فرامین دشوار با القای اطمینان به مطابقت عملش بر اساس اراده الهی	اظهاری
فَأَقْذِيهِ فِي الْيَمِّ	بیان دومین دستور به مادر موسی) انداختن تابوت در دریا)	انتقال اطمینان و ایجاد توکل در مادر موسی	تسلیم محض و اجرای کامل دستورات توسط مادر موسی	ترغیبی
فَلْيَأْتِكُمْ بِالسَّاحِلِ	اعلام دستور افکندن موسی به ساحل دریا	ضمانت تحقق مقصد نهایی (رسیدن تابوت به ساحل)	تحقق یافتن هدف و قرار گرفتن کودک در مقصد نهائی	ترغیبی
يَأْخُذْهُ عَدُوُّ لِي وَعَدُوُّ لَهُ	دستور حتمی برای گرفتن موسی توسط دشمن من و او	بیان قطعی واقعه آینده: گرفتن کودک توسط دشمن، به عنوان بخشی از تدبیر الهی	نمایش حاکمیت مطلق الهی و تسلیم دشمنان در برابر اراده خداوند	ترغیبی
وَأَلْفَيْتُكَ مَحَبَّةً مِنِّي	اعلام محبت ویژه خداوند به موسی با	بیان منشأ الهی محبوبیت موسی(ع)	ایجاد اطمینان خاطر در موسی(ع) از	اظهاری

	پشتیبانی اجتماعی و عاطفی خداوند در مسیر رسالت	به عنوان لطفی فعال و هدفمند از سوی خداوند	قرار دادن محبت او در دل دیگران	
اظهاری	ایجاد اطمینان و روحیه قوی در موسی (ع) برای آغاز مأموریت، با زدودن هراس از آغاز بزرگ‌ترین مأموریت	تأکید بر نظارت و سرپرستی مستقیم خداوند بر موسی (ع) در تمام مراحل زندگی	تبیین حضوری بودن حمایت، مراقبت و تربیت خداوند از موسی (ع)	وَلْيَضْحَكْ عَلَيَّ عَيْنِي
اظهاری	تقویت باور به نظارت و تدبیر مستمر الهی	نمایش عینی تربیت تحت نظارت مستقیم الهی	روایت ادامه داستان: یادآوری نعمت پیشنهاد دایگی مادر توسط خواهر موسی	إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ
اظهاری	القای امنیت و اطمینان از حمایت الهی در مسیر رسالت	تأکید بر نظارت الهی در پرورش موسی و توجه به نیازهای عاطفی او و مادرش	بیان ادامه داستان: بازگرداندن موسی به مادر	فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ
اظهاری	ایجاد لطافت عاطفی و تقویت اعتماد موسی به خداوند	نمایش رحمت گسترده الهی و توجه به عواطف مادر و وفای به عهد	بیان دو علت بازگشت موسی به مادر	كَيْ تَمَرَ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ
اظهاری	توجه موسی به آن حادثه و یادآوری	یادآوری حادثه به عنوان مقدمه‌ای برای بیان نعمتی دیگر	اشاره به حادثه قتلی که موسی انجام داده بود	وَقَتَلْتَ نَفْسًا

	احساس او در زمان حادثه			
اظهاری	امیدواری به یاری و نجات الهی در لحظات خطا و گرفتاری	نمایش رحمت بی‌پایان و حمایت مستمر از موسی	یادآوری نعمت عفو و نجات الهی پس از ارتکاب خطا	فَتَجِيئَكَ مِنَ الْعَمِّ
اظهاری	ایجاد آرامش و تقویت اعتماد موسی به خداوند با درک حکمت سختی‌ها	یادآوری سختی‌های مسیر زندگی موسی به عنوان بخشی از روند تربیت و پرورش او	بیان آزمون‌های مکرر در مسیر تربیت	وَفَتْنَاكَ قُتُونًا
اظهاری	درک حکمت خروج از مصر و سکونت در مدین به عنوان مسیر تدریجی تربیت	یادآوری نعمت تبدیل تبعیدگاه به محل رشد و پرورش	بیان اقامت موسی در مدین به عنوان واقعیت تاریخی	فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ
اعلامی	تکمیل فرآیند آماده‌سازی موسی و تقویت اطمینان و اعتماد به نفس برای انجام مأموریت	تأیید برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند الهی برای آمدن موسی (ع) و دریافت رسالت	بیان حقیقت متعالی: رسیدن موسی (ع) به زمان و مکان مقرر الهی برای دریافت رسالت	ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدْرٍ يَا مُوسَى
اعلامی	ایجاد احساس مسئولیت و عزت در مخاطب	بیان انتخاب موسی (ع) برای مأموریت الهی و رابطه ویژه با خدا	اعلام پرورش موسی (ع) برای وحی و رسالت از سوی خداوند	وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

خداوند پس از شنیدن درخواست‌های موسی، با پاره‌گفتار «قَدْ أُوتِيَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى»، اجابت قطعی خواسته‌هایش را در قالب یک جمله انشائی به صورت کنش اعلامی، بیان می‌دارد و با یادآوری نعمت‌های پیشین، او را برای مأموریت خطیرش آماده می‌سازد. نخست، خداوند با الهام به مادر موسی دستور داد: «طفل را در صندوق بگذار و به رود نیل بینداز». سپس فرمان تکوینی به دریا صادر شد که صندوق را به ساحل براند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۰۷). خداوند با تأکید بر واژه «عدو»، بر عداوت عمیق فرعون در برابر خود و موسی اشاره می‌کند؛ اما در اقدامی حکیمانه، همان دشمن را وادار می‌سازد تا پرورش‌دهنده موسی شود. سپس خداوند با افکندن محبت خویش بر موسی، سپر محافظتی نامرئی، اما استواری را برای او ایجاد کرد که هر بیننده‌ای مجذوبش شد و آسیبی به او نرساند. در پایان آیه، هدف از محبت ویژه خود را پرورش موسی تحت نظر مستقیم خود بیان می‌دارد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۲۰۱).

در ادامه، خداوند با اشاره به نقش خواهر موسی که زمینه بازگرداندن موسی به آغوش مادرش را فراهم آورد، بر منت سوم خود بر موسی تأکید می‌کند. این اقدام، هم آرامش قلب مادر را به دنبال داشت و هم نشان از تدبیر الهی در پرورش موسی داشت. سپس خداوند به منت چهارم، یعنی نجات موسی از اندوه پس از کشتن ناخواسته آن مرد و پناه دادن به او در سرزمین مدین اشاره می‌کند. این رویدادها همراه با اقامت او در مدین، همگی آزمایش‌ها و تربیت‌های الهی برای رسیدن به «زمان مقدر» بود، کسب قابلیت لازم برای پذیرش رسالت و در نهایت، تربیت ویژه و اختصاصی تحت عنوان "اصطناع" که موسی را به طور کامل برای مقام نبوت و هدایت بندگان آماده ساخت (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۰۸-۲۱۱).

۳-۲-۹- کنش‌های گفتاری آیات نخستین برخورد با فرعون

﴿أَذْهَبَ أَنتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي أَذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى قَالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى﴾

فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا نُعَذِّبُهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٢-٤٨﴾ (طه/ آیات ۴۲-۴۸)

خداوند پس از اعلام استجابت دعا‌های موسی و یادآوری نعمت‌های پیشین، نخستین مأموریت را به او ابلاغ می‌کند. این آیات ترسیم‌گر صحنه‌ای از گفت‌وگوی مستقیم خدا با پیامبرش است که در آن، فرامین، راهکارها و پاسخ به دغدغه‌های موسی، در قالب پاره‌گفتارهایی دقیق و پرمعنا شکل می‌گیرد. هریک از این گزاره‌ها، کنش‌های زبانی مستقلی را نمایان می‌سازد که در جدول زیر مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

جدول (۹): تحلیل پاره‌گفتارهای آیات ۴۲ تا ۴۸ سوره طه

پاره‌گفتار	کنش بیانی	کنش منظوری	کنش تأثیری	کنش گفتاری
اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي	دستور فوری شروع مأموریت به موسی با همکاری برادرش با پشتوانه‌ی معجزات	اعطای پشتوانه الهی به موسی و هارون، تعیین دقیق مسئولیت‌ها و توجه به درخواست همراهی برادر	ایجاد اطمینان از پشتیبانی معجزات الهی و تقویت روحیه موسی و هارون برای اجرای رسالت	ترغیبی
اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ	تکرار دستور مستقیم به موسی و هارون برای شروع مأموریت همراه با بیان تعلیل	آغاز فوری مأموریت با مشارکت کامل و هم‌تراز موسی و هارون	تقویت تعهد و آمادگی موسی و هارون برای اقدام قاطع در برابر طغیان فرعون	ترغیبی
وَلَا تَتَّبِعُوا فِي دِكْرِي	نهی از سستی در اجرای فرامین	تقویت روحیه، تاکید بر استقامت و تلاش	کمک به حفظ آرامش درونی در شرایط سخت و افزایش توکل	ترغیبی

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا	تاکید بر کیفیت خاص گفتار و دستور مستقیم به گفتار نرم	ارائه روش‌شناسی برخورد بامخاطب منکر، بیان تاثیر گفتار نرم و ایجاد فضای شنیدن سخن حق	آماده‌سازی مخاطب و تقویت استقامت در برابر فرعون با راهکار الهی، همراه با آرامش و اطمینان از حضور حامی هدایت‌گر	ترغیبی
لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَى	بیان علت دستور پیشین: دعوت با گفتار نرم	ترغیب به دعوت با روحیه امیدوارانه و نگرش مثبت به نتیجه	شروع رسالت با روحیه‌ای امیدوارانه	ترغیبی
قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يَمُوتَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يُطْفِئَ	بیان احساس ترس و آسیب‌پذیری خود از خطر تجاوز یا سرکشی فرعون	بیان درماندگی و درخواست مستقیم حمایت الهی	زمینه‌ساز پاسخ اطمینان‌بخش و قول پشتیبانی بی قید و شرط خداوند	عاطفی
قَالَ لَا تَخَافَا	بیان نفی ترس با فعل نهی	وعده تامین، زدودن ترس و ایجاد آرامش	ایجاد امنیت فوری و زدودن ترس از دل آنان	تعهدی
إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَى	بیان تعلیل وعده تامین با اعلام پشتیبانی، نصرت و همراهی	اطمینان‌بخشی، تقویت روحیه و زدودن هر نوع احساس ضعف	از بین بردن حس تنهایی و تقویت روحیه شجاعت	تعهدی
فَأْتِيَاهُ	تجدید دستور رفتن نزد فرعون با لحنی ساده و بی‌تکلف	فروکاستن از شأن ظاهری فرعون و شکستن هیبت او از طریق نادیده‌گرفتن	ایجاد آرامش، یقین و جسارت الهی در موسی و هارون، با تقویت برتری معنوی و	ترغیبی

	اعتماد به حمایت الهی	مقام و عظمت ساختگی اش		
ترغیبی	تقویت هویت و مأموریت، افزایش جرأت و اقتدار، جایگزینی ترس با اتکا به پشتوانه الهی	به چالش کشیدن الوهیت فرعون، نادیده گرفتن مقام پادشاهی و توجه دادن فرعون به پروردگار واقعی	آموزش آغاز گفت‌وگو به موسی و هارون: بیان اصل مأموریت و معرفی به عنوان فرستادگان پروردگار	فَقُولَا إِنَّا رَسُوْلَا رَبِّكَ
ترغیبی	ایجاد تمرکز و انگیزه عملی، ملموس‌سازی مسئولیت برای موسی و هارون	تعیین خط قرمز برای فرعون: درخواست پایان اسارت بنی‌اسرائیل، توقف ستم و اعلام حمایت از مظلومان	ارائه راهکار مرحله‌ای: درخواست آزادی بنی‌اسرائیل و نهي از آزار آنان	فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ
اظهاری	تقویت شجاعت، زدودن ترس و افزایش اعتمادبه‌نفس با اتکا به پشتوانه الهی	توانمندسازی موسی و هارون با برهان الهی، زدودن هراس و تقویت ایستادگی در برابر فرعون	تأکید بر برخورداری از سند و معجزه الهی برای اثبات ادعا	قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ
تعهدی	ایجاد انگیزه پذیرش هدایت، کاهش مقاومت و پیشگیری از لجاجت مخاطبان	ترغیب غیر مستقیم و ایجاد انگیزه برای پذیرش حق، احتیاط و مقدمه برای انذار در آیه بعد	وعده سلامتی و مصونیت برای ایمان‌آوردگان	وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

ترغیبی	کاهش بار روانی مواجهه با فرعون، افزایش اقتدار پیامبری با اتکا به وحی، و مجهرشدن به شیوه ابلاغ پیام بدون تقابل مستقیم	آموزش هشدار غیرمستقیم به موسی و هارون: اتمام حجت با فرعون پیش از موضع‌گیری او، و اجرای سخن نرم همراه با انتقال هشدار	بیان دلیل وعده پیشین: اعلام عذاب الهی برای تکذیب‌کنندگان	إِنَّا قَدْ أَوْحَيْنَا إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ
--------	---	--	--	---

تحلیل کنش‌های گفتاری در این آیات، ساختار ارتباطی چندلایه و دقیق وحی را آشکار می‌سازد. خداوند به عنوان گوینده اصلی، شبکه‌ای منسجم از کنش‌های گفتاری را به صورت ترکیبی هدفمند بکار می‌برد. فرمان آغازین «إِذْ هَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي»، در کنار نهی از سستی، از یک سو، کنشی ترغیبی برای آغاز مأموریت به شمار می‌آید و از سوی دیگر، با عبارت «بِآيَاتِي»، کنشی تعهدی در بر دارد که وعده حمایت الهی و تجهیز پیامبران به معجزات را در خود نهفته است.

در مرحله بعد، تأکید بر گفتار نرم «قَوْلًا لَيِّنًا»، نشانگر هدایت کنش گفتاری به سمت الگوسازی شیوه ارتباطی است و با افزودن «لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ»، بُعدی بیانگر از امیدواری پدید می‌آورد که روحیه‌ای مثبت و آرام‌بخش برای مبلغان ایجاد می‌کند. در ادامه، هنگام ابلاغ رسمی پیام به فرعون، کنش‌های گفتاری، صورتی کاملاً منسجم و حساب‌شده می‌یابند. معرفی با عبارت «إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ»، کنشی اظهاری و تثبیت‌کننده مقام رسالت است؛ در حالیکه فرمان «فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»، کنشی دستوری صریح برای تحقق مأموریت به شمار می‌رود. جمله «قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ» جنبه‌ای دوگانه دارد؛ زیرا هم کنشی اظهاری برای اعلام واقعیت و هم کنشی تعهدی برای اثبات ادعا محسوب می‌شود. در نقطه اوج این گفت‌وگوی الهی، جمله «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَتَّبَعِ الْهُدَىٰ»، دارای کارکردی چندبعدی است؛ از یک سو تحیتی بیانگر و پیام‌آور خیر و صلح است و از سوی دیگر در متن خود مرزبندی صریحی میان هدایت‌یافتگان و گمراهان

ترسیم می‌کند؛ به گونه‌ای که فرعون را به‌طور ضمنی از دایره امنیت و رستگاری، خارج نشان می‌دهد. هشدار پایانی «أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ» نیز، کنشی هشداردهنده و قاطع است که چارچوب پاداش و عقاب را تکمیل می‌کند و عملاً این منظومه زبانی را به مدلی ماندگار از گفت‌وگویی بر پایه استدلال، نرمش و اقتدار بدل می‌سازد.

در تداوم این تحلیل، تفاوت در فرامین «إِذْهَبْ»، «إِذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ» و «إِذْهَبَا»، نشانه تحول تدریجی در مأموریت و تغییر مقام خطاب است. فرمان نخست «إِذْهَبْ»، اختصاص به حضرت موسی (ع) داشت و حاکی از محوریت شخص او در آغاز رسالت بود. با درخواست موسی برای همراهی برادرش، فرمان دوم «إِذْهَبْ أَنْتَ وَ أَخُوكَ»، صادر شد که ضمن تجدید امر پیشین، حضور هارون را در جایگاه یاری‌دهنده و پشتیبان به رسمیت شناخت. سپس در مرحله رویارویی مستقیم با فرعون، خطاب «إِذْهَبَا» صادر شد که مشارکت کامل و هم‌تراز هر دو پیامبر را در مقام اجرا نشان می‌دهد. در این میان، انتخاب هوشمندانه واژگان الهی نیز حامل معانی بلاغی عمیقی برای تنزیل مقام فرعون بود. خداوند به جای عبارت پراحترام‌تر «إِذْهَبَا إِلَيْهِ»، تعبیر ساده‌تر «فَأْتِيَا» را بکار برد تا عظمت موهوم و هیبت ساختگی فرعون را درهم بشکند و نوعی نزدیکی و بی‌تکلفی در مواجهه را القا کند. همچنین، حذف عمدی ضمیر «له» در دستور «فَقُولَا» به جای «فَقُولَا لَهُ»، کنش گفتاری دیگری از نوع تحقیرآمیز بود که شأن فرعون را نادیده می‌گرفت؛ گویی حتی شایستگی خطاب مستقیم را ندارد (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۲۱۹).

همین ظرافت‌های زبانی، به موسی و هارون آموخت که حین انجام مأموریت در نهایت ملایمت و ادب سخن بگویند؛ اما هرگز در برابر هیمنه دروغین طغیانگران، از موضع عزت الهی پایین نیایند. این ترکیب ظریف، از نرمش در بیان و استواری در معنا، تصویری شگرف از منطق وحی ارائه می‌دهد؛ منطقی که ارتباط را نه صرفاً ابزار انتقال پیام، بلکه صحنه نمایش عدالت، حکمت و قدرت الهی می‌داند.

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل دقیق کنش‌های گفتاری در آیات آغازین سوره طه، به صورت نظام‌مند به واکاوی چگونگی شکل‌گیری و اجرای مأموریت موسی (ع) در مواجهه با فرعون پرداخت. جامعه آماری این پژوهش با بررسی حدود ۴۰ آیه از این سوره، موفق به استخراج و تحلیل ۸۲ پاره گفتار مستقل گردید که هر یک عملکرد خاصی در اجرای مأموریت داشتند. در تحلیل، برخی پاره‌گفتارها که تکمیل‌کننده هم بودند، به‌عنوان یک پاره‌گفتار در نظر گرفته شدند و به‌طور خاص ۷۵ کنش گفتاری برای این ۸۲ پاره‌گفتار بیان شد.

۱- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع ۷۵ پاره‌گفتار تحلیل‌شده، کنش ترغیبی با ۳۱ مورد (معادل ۴۱/۳ درصد) و کنش اظهاری با ۳۰ مورد (معادل ۴۰ درصد)، پربسامدترین کنش‌های گفتاری و کنش اعلامی با ۷ مورد (معادل ۹/۳ درصد)، تعهدی با ۶ مورد (معادل ۸ درصد) و عاطفی با ۱ مورد (معادل ۱/۳ درصد) کمترین کنش‌های گفتاری می‌باشند.

این توزیع آماری، الگوی معناداری را در شیوه ارتباط الهی با پیامبرش آشکار می‌سازد. در مواجهه با حضرت موسی (ع)، خداوند عمدتاً از کنش ترغیبی بهره برده که شامل دستورات عملی مانند «ادْهَبْ»، «فَأْتِيَاهُ»، «الْقَهَا» و دستورات مربوط به شیوه اجرای رسالت مانند «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا» می‌شود. این امر بیانگر رویکرد راهبردی و هدفمند در هدایت پیامبر است. در مقابل، هنگام اشاره به فرعون و توصیف دشمن، کنش اظهاری غالب شده که با گزاره‌هایی مانند «إِنَّهُ طَغَى»، رویکردی واقع‌گرایانه و مبتنی بر شناخت‌شناسی را دنبال می‌کند.

۲- از منظر موضوعی، کنش ترغیبی بیشتر در حوزه مدیریت رسالت و دستورات عملی بکار رفته است؛ در حالیکه کنش اظهاری عمدتاً برای بیان حقایق اعتقادی، توصیف معجزات و توجیه احکام، مورد استفاده قرار گرفته است. کنش اعلامی اغلب در موقعیت‌های اعطای مقام، تأیید رسالت و ایجاد پیمان بکار رفته‌اند و با کنش‌های صرفاً اظهاری- که فقط به گزارش واقعیت‌های پیشین می‌پردازند- تفاوت بنیادین دارند. برای نمونه عبارت «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ»، تنها یک توصیف نیست؛ بلکه در لحظه بیان، مقام نبوت و رسالت را به موسی (ع)

اعطا می‌کند و او را به صورت رسمی به عنوان پیامبر منصوب می‌نماید. کنش تعهدی که شامل وعده‌های حمایتی مانند «إِنِّي مَعَكُمْ» و «سَتُعِيدُهُا» می‌شود، بیشتر در پاسخ به ترس‌ها و نیازهای موسی بکار رفته و نقش پشتیبانی عاطفی را ایفا می‌کند. کنش عاطفی نیز که کمترین بسامد را دارد، برای ابراز ترس و نیازهای موسی و همچنین بیان محبت و انتخاب الهی مورد استفاده قرار گرفته است.

این توالی حکیمانه کنش‌ها- از ترغیبی (تعیین مسیر) به اظهاری (تأمین محتوا) و سپس تعهدی (پشتیبانی)- نشان‌دهنده برنامه‌ای منسجم برای آماده‌سازی تدریجی پیامبر برای پذیرش مسئولیت‌های سنگین رسالت است.

نمودار ۱: کنش‌های گفتاری در آیات گفت‌وگو محور آغازین سوره طه



۵- پی‌نوشت‌ها

- 1- John. L. Austin
- 2- John Searle
- 3- Speech Act Theory.
- 4- "How to Do Things with Words"
- 5- Constative Sentences
- 6- Performative Sentences
- 7- Locutionary Act
- 8- Illocutionary Act
- 9- Perlocutionary Act

- 10- Speech Acts
- 11- Assertives
- 12- Directives
- 13- Commissive
- 14- Expressives
- 15- Declaratives

۶- منابع

*قرآن کریم

- ۱- ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، الطبعة الأولى، (۱۴۲۰ق).
- ۲- پهلوان‌نژاد محمدرضا و اصطهبانی لیدا، «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور ۱۳۸۵، سازمان ملل»، نشریه پژوهش زبان‌های خارجی (نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)، شماره ۲۰۸، (۱۳۸۷ش).
- ۳- پیشوائی علوی، محسن؛ حسین پناهی، فردین، «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره «مؤمنون» بر اساس نظریه کنش کلامی»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآنی " سال دوم، شماره چهارم، صص ۶۱-۹۴، (۱۳۹۳ش).
- ۴- حسین‌پور، غلامرضا، «درنگی در طبقه بندی‌های آستین و سرل از افعال مضمون در سخن»، مجله فلسفه، سال ۴۹، شماره ۲، صص ۳۹-۵۶، پاییز و زمستان (۱۴۰۰ش).
- ۵- حسینی معصوم، سیدمحمد؛ رادمرد، عبدالله، «تأثیر بافت زمانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، شماره ۳ (پیاپی ۲۴)، صص ۶۵-۹۲، مرداد و شهریور (۱۳۹۴ش).
- ۶- رجب‌زاده مهدی، محمدرضا پهلوان‌نژاد و محمدرضا فخرروحانی، «تحلیل متن‌شناسانه زیارتنامه حضرت امام رضا (علیه السلام) بر پایه کنش گفتار»، فصلنامه علمی پژوهشی ذهن، تهران، شماره ۴۳، (۱۳۸۹ش).
- ۷- صانعی‌پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول، (۱۳۹۰ش).
- ۸- طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی- ایران- قم، چاپ: ۵، (۱۳۷۴ش).

۹- عبداللهی محمدعلی، «نظریه افعال گفتاری»، پژوهش‌های فلسفی کلامی دانشگاه قم، دوره ۶، شماره پیاپی ۲۴، شهریور، صفحه ۹۱-۱۱۹، (۱۳۸۴ش).

۱۰- فخر رازی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعه الثالثه، (۱۴۲۰ق).

۱۱- قائمی‌نیا، علیرضا، معناشناسی ۱، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه دانشگاه، چاپ اول، (۱۴۰۰ش).

۱۲- قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول، (۱۳۸۸ش).

۱۳- محمدی عادل، منظورشناسی زبان و تحلیل گفتمان، تهران، انتشارات روش‌شناسان، چاپ اول، (۱۳۹۶ش).

۱۴- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دهم، (۱۳۹۶ش).

15- Austin, John, How To Do Things With Words, Oxford: Oxford University, (1962).

16- Levinson, S.C. Pragmatics, Cambridge University Press, New York, (1997).

17- Yule, George, Pragmatics, New York: oxford university press, (1998).

18- Searle, J. R, Austin on Locationary and Illocutionary Acts, Philosophical Review 77: 405 – 424, (1968).

19- Searl' john 'R, speech Acts: an Essay in the philosophy of language, Cambridge university press, (1969).